



LOOK AT US

MAHSHID NOSHIRVANI

استاد مترجم زاده | نقد نمایشگاه | مهدی مهدی پور

9912335206

کارگران از جمله سوژه‌های همیشگی عکاسان در زمان و نقاط مختلف جهان به شمار می‌آیند. با هر فرهنگ و ایدئولوژی، کارگران طبقه‌ای از جامعه را تشکیل می‌دهند که در اکثر مواقع با شرایط سخت زندگی می‌گذرانند.

جامعه کارگر شامل گروه‌های بسیاری است که از کارگر ماهر و متخصص آغاز شده و به کارگر غیر ماهر که نیازمند آموزش و حقوق اندک است، ختم می‌شود.

در دید عموم، کارگر به همین قشر از جامعه اطلاق می‌شوند، که در اکثر کشورها این قشر را بیشتر سیاه‌پوستان آسیایی‌ها و مهاجرها تشکیل می‌دهند.

در سده نوزدهم کارل مارکس این طبقه اجتماعی را پرولتاریا نامید.

او در کتاب *مانیفست کمونیست* این تعریف را از پرولتاریا دارد: **طبقه کارگر مزد بگیر که مالک هیچ وسیله تولیدی نیست و نیروی بدنی خود را برای تامین زندگی می‌فروشد.**

در این میان اسطوره‌ای در ملت‌ها جریان دارد که عادت به استفاده از اصطلاحات، معادل یکدیگر کرده است. طبقه کارگر را معادله انقلاب می‌بیند و طبق تعریفات مارکس، کارگران را تنها به چشم پرولتاریا. این اسطوره در روایت حماسه‌ی خود، کارگران را حامی بی‌چون و چرا و دائمی

انقلاب‌ها می‌داند، و از او کاوه آهنگری می‌سازد که همیشه باید به جنگ ضحاکان زمان و مکان خویش برود. حال آنکه شاید در تاریخ بسیاری از انقلاب‌ها به شکل کلاسیک خود توسط این طبقه رخ داده باشد اما لزوماً نمی‌توان همیشه این روایت را صادق دانست.

مهشید نوشیروانی در مجموعه کار و کارگر به بازنمایی کارگران چند کارخانه ی ایران می پردازد، و از آنها عکس هایی دسته جمعی به همراه تیپ نگاری هایی تاثیر برانگیز می گیرد.

این مجموعه نخستین بار در سال ۱۳۵۸ در مرکز هنری باغ فردوس، و بار دیگر در سال ۱۴۰۰ در گالری امکان با عنوان **به ما نگاه کنید**، به نمایش درآمد.

در استیتمنت نمایشگاه به لحن صمیمی دوربین در گرفتن این مجموعه اشاره شده و عکس ها را مجاللی برای حضور کارگران در تصویر دانسته است. عکاس نیز در بازنمایی کارگران به شکل کلاسیک طبقه پرولتاریا و زحمتکش جامعه، تمام تلاش خود را کرده است.

در این عکس ها کارگران خنده ای بر چهره ندارد و یا اگر خنده ای هم یافت شود، آنقدر بی رمق است که تلخی آن را می توان از روی کاغذ افسون نیز مزه مزه کرد.

حال آنکه می دانیم در سخت ترین شرایط و روزها، انسان ها در مقابل دوربین به هیجان می آیند و سعی در نمایش چهره ای مثبت از خود خواهند داشت. در پیشگاه دوربین دوستی ها و برادری های شکل گرفته در کارخانه به صورت شوخی و خنده بروز می کند.

این موضوع زمانی بیشتر جلب توجه می کند، که عکاس حضور یافته در این جامعه ی مردانه نیز، زن باشد. به نحوی که در عکس هایی می توان ژست گرفتن کارگران مرد را برای دوربین و عکاس زن مشاهده کرد.



به عنوان مثال در این عکس، شخص قرار گرفته در وسط کادر، با لبخند زیرپوستی خود، دکمه های لباس کار را باز کرده و دست در جیب، به دوربین (عکاس!) زل زده است. او عکس را صحنه‌ای برای نمایش مردانگی خود یافته و نقش کارگر جذاب داستان را برای لحظاتی ایفا می کند.

اما قصد نگارنده از بیان این مطالب چیز دیگری است، و آن به توضیحات بخش اول بازمی‌گردد. در قرائت استیمنت به سالی بر می‌خوریم که عکس‌ها در آن زمان ثبت شده‌اند. سال ۱۳۵۷ برای ایران سال بسیار مهمی محسوب می‌شود. سالی که نقطه عطفی در تاریخ سیاسی ایران و منطقه است. ثبت این عکس‌ها با چنین رویکردی در آن سال و انتشار آن در سال بعد، نظر نگارنده را بیش از پیش به خود جلب کرد، تا جایی که خوانش عکس‌ها را فراتر از نگاه کردن به کارگران زحمتکش ببرد و به جهت‌گیری عکس‌ها بپردازد.

دیدن چهره‌های سرد و بدون احساس کارگران در شرایط سخت کارگری در کارخانه‌های معروف کشور این پندار را در ذهن بیننده القا می‌کند که این مردان رنج کشیده همان کاوه آهنگری‌اند که از اختلاف طبقاتی جامعه روزگار خود به تنگ آمده و درفش برافراشته، و بمانند دیگر پرولترهای تاریخ، سرنوشت ایران را تغییر داده‌اند.

کنار هم قرار دادن این کارگران دست به کمر و نگاه خیره‌انها به دوربین، آنها را به مانند سربازانی خشمگین ساخته که هر لحظه توانایی برپایی انقلابی را دارند.

تا آنجا که در یکی از عکس‌ها اگر بر روی شانه‌های کارگران ستاره و علامت‌های نظامی قرار دهیم به مانند عکسی حماسی از فرمانده و سربازانش می‌نماید، که بر روی تلی از خرابه‌های ناشی از آخرین پاتک خود با افتخار به دوربین می‌نگرند.

اما آیا واقعاً چنین روایتی حقیقت تاریخی است؟ آیا این عکس‌ها کارگرانی را در آستانه‌ی انقلابی بزرگ بازنمایی می‌کند؟



تاریخ اما چنین چیزی را برای ما رد می کند. در وقایع پیش از انقلاب گروه های چپ آنگونه که انتظار داشتند مورد حمایت از طرف کارگران قرار نگرفتند و عملاً انقلاب اسلامی توسط دانشجویان، روحانیون و بازاری ها شکل گرفت.

حال بار دیگر به عکس ها نگاه می کنیم، با آنکه عکس ها چنین روندی را برای ما روایت نمی کنند، اما دیدن دستگاه هایی به روز، ساخت کشور آمریکا، نوید تغییر جهت صنعت ایران از شیوه های سنتی و به اصطلاح یدی، به روش های نوین را به همراه داشت. حال آنکه عکس های دیگر از لزوم وجود همین پیشرفت در صنعت ایران خبر می دهد، تا کارگران در شرایط بهتر و کارآمدتر نسبت به گذشته به فعالیت پردازند.



اما کارکرد این عکسها و نمایش مجدد آنها در این روزگار نیز خالی از لطف نیست؛ زیرا حال و روز کارگران حتی در ایران ۱۴۰۰ نیز همانقدر بی رمق و افسرده است، و نمایش این عکس ها شاید تلنگری باشد برای بازنگری جامعه به این قشر تقریباً فراموش شده.

به ما نگاه کنید، فریاد خاموشی است که امروز نیز از زبان کارگران ایرانی به گوش می رسد.